بررسی ارتباط دلبستگی به مذهب و باور به قانون با بزهکاری (مطالعه دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر ساری)

وجیهه آرمان مهر: کارشناس ارشد جامعه شناسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، ایران.
varmanmehr@gmail.com

سیده مهلا حجازی*: کارشناس ارشد پژوهشگری، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور خواف، ایران hejazi.m@pnurazavi.ac.ir

اکرم خوارزمی: کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، پژوهشگر مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، ایران.
kharazmiak@gmail.com

نوراله مرادی کله لو: کارشناس ارشد رفاه اجتماعی، پژوهشگر مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، ایران.
noorallah.moradi@gmail.com

چکیده

مقدمه: هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر دلبستگی به مذهب و باور به قانون وتاثیر آن بر بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

روش: در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. چهارصد دانش‌آموز سال سوم دبیرستان‌های شهر ساری به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. اعتبار پرسشنامه با روش اعتبار صوری و پایائی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تایید قرارگرفت. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه شانزده از طریق آزمون‌های T،F و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: در این پژوهش چهل و یک و یک دهم درصد نمونه‌ی مورد بررسی پسر و پنجاه و هشت و نه دهم درصد، دختر بوده‌اند. برای تبیین رابطه‌ی مذهب، باورمندی به قانون وتاثیر آن بزهکاری از نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای دلبستگی به مذهب و باور به قانون، رابطه‌ی معکوس و معناداری با بزهکاری داشته‌اند. نتایج آزمون‌های معناداری بر حسب متغیرهای زمینه‌ای نیزنشان داد میزان بزهکاری دختران نسبت به پسران به طور معناداری کمتر است. میزان دلبستگی به مذهب و باور به قانون در بین دختران نیزنسبت به پسران بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود جهت علاقه‌مند ساختن نوجوانان به مذهب، از طریق برنامه‌های دینی و ارتباط موثر با متولیان مذهبی برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. همچنین زمینه‌ی باورمندی نسبت به قانون به‌واسطه‌ی موثر دانستن قانون و اعتماد به قانون‌گزاران و مجریان قانون فراهم شود.

واژگان کلیدی

بزهکاری

دلبستگی به مذهب

باور نسبت به قانون

نظریه پیوند اجتماعی هیرشی

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

نحوه استناد به مقاله:
وجیهه آرمان مهر، سیده مهلا حجازی، اکرم خوارزمی، نوراله مرادی کله لو. بررسی ارتباط دلبستگی به مذهب و باور به قانون با بزهکاری (مطالعه دانش آموزان مقطع دبیرستان شهر ساری). فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۳؛ ۳ (٤): ٤٧-٤٠

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

Study the Relationship Between Attachment to Religion and Belief in the Law with Delinquency (the Study of High School Students in Sari City)

Vajihe Armanmehr: MA in Sociology, Social Determinants of Health Research Center, Gonabad University of Medical Science, Gonabad, Iran varmanmehr@gmail.com

Seyede Mahla Hejazi*: Department of social science, Payame Noor Universtiy hejazi.m@pnurazavi.ac.ir

Akram Kharazmi: MA in Educational Psychology, Social Development & Health Promotion Research Center, Gonabad University of Medical Science, Gonabad, Iran kharazmiak@gmail.com

Noorallah Moradi: MSc. Social Welfare, Social Development & Health Promotion Research Center, Gonabad University of Medical Science, Gonabad, Iran noorallah.moradi@gmail.com

Abstract

Introduction: The main objective of the present study is surveying the relationship between attachment to religion and belief in the law with delinquency.

Methodology: The method of research was survey. 400 junior high school students in Sari city were selected by multi-stage stratified random sampling method and answered to the questionnaire. Validity and reliability of questionnaire was confirmed by face validity and Cronbach's alpha coefficient respectively. Data were analyzed by SPSS-16 software using F and T tests and Spearman correlation coefficient.

Results: In this study, 41/1% of the sample was male and 58/9% were female. To explain the relationship between religion and belief in law with delinquency, the Hirschi's theory of social ties was used. Results showed that attachment to religion and belief in the law variables had a significant and inverse relationship with delinquency. The test results in terms of the demographic variables showed a significant reduction in delinquency level in girls than boys. Also, the attachment to religion and belief in the law variables were more in girls than boys.

Conclusions: Regarding significant and inverse relationship between attachment to religion and belief in the law with delinquency, it is recommended that create interest to religion in teenagers by planning for making religious programs more attractive. Also, the needed conditions for belief to law were prepared by belief to effectiveness of law and trust to law makers.

Keywords

Delinquency

Attachment to Religion

Belief in the Law

Hirschi's Theory of Social Ties

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 07 Feb 2015
Accepted: 16 March 2015

Please cite this article as follows: Armanmehr V, Hejazi S, Kharazmi A, Kalelo N. Study the Relationship Between Attachment to Religion and Belief in the Law with Delinquency (the Study of High School Students in Sari City). Quarterly journal of social work. 2014; 3 (4); 40-47

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

مقدمه

بزهکاری پدیده اجتماعی جهانی است که معمولاً برای جرایم نوجوانان زیر هیجده سال به کار برده می‌شود. گرچه، جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه رو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کار برده می‌شود که اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه را انجام می‌دهند. دوره نوجوانی، دوره حساس، ظریف و پرمسأله و از هر لحاظ قابل بررسی و تعمق می‌باشد. نوجوانان مبتلا به اختلالات رفتاری غالبا در بزرگسالی با ارتکاب رفتارهای ناهنجار اعمال خلاف قوانین و تجاوز به حقوق دیگران و حاکمیت موجب اختلال در نظم اجتماعی و آسیب رساندن به دیگران می‌شوند، به طوری که همواره مردم و حاکمان هزینه‌های زیادی برای در امان بودن از این گروه و دستگیری، اصلاح و تربیت، مجازات و بازسازی روانی- شخصیتی آن‌ها صرف کرده‌اند (Bozorgnezhad H, Hasanzadehesfahani Z 2009). در تحقیقات بسیاری داشتن باورها و گرایش‌های مذهبی به عنوان یک عامل کاهنده، با یک رابطه معکوس و معنادار بر میزان پرخاشگری (Bozorgnezhad H, Hasanzadehesfahani Z 2009)، بحران هویت (Rajai A, Bayaz MH, Habibipoor M 2010)، کجروی (Heydari Charvadeh 2001) و بزهکاری (Bol-bol Rami, Ebrahim Zadeh Parsaei, 2004) در نوجوانان و جوانان شناسایی شده است.

به عنوان نمونه حیدری چروده در تحقیق خود بر روی ۶۰۰ دانش‌آموز راهنمایی و با تقسیم ناهنجاری‌های دانش‌آموزان به درون مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای، تأثیرکاهنده عبادت بر کجروی‌ها را نشان داد. همچنین رابطه مثبت پایبندی مذهبی با کیفیت زندگی (Shamsesfandabad H, Nejadnaderi S 2009)، انضباط اجتماعی (Rasoolzadehtabatabaei S, Abdi N 2011) و سلامت عمومی(Rajai A, Bayaz MH, Habibipoor M 2010) در کنار دیدگاه‌های ضد و نقیضی، همچون الیس که بر این باور است که دینداری با تفکر غیرعقلانی و اختلالات عاطفی همراه است (Shamsesfandabad H, Nejadnaderi S 2009) قابل اعتنا می‌باشد. هدن(۱۹۸۳) معتقد است که دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است.

(Azadarmaki T & Bahar M 1998) نیز نشان می‌دهند که مذهب، خودمهارگری را به روش‌های زیر افزایش می‌دهد: تقویت استانداردهای اخلاقی خاص، ایجاد انگیزه در افراد برای خوب بودن، ارتباط دادن افراد مذهبی با دیگر افراد معتقد به خدا، ارتقای شخصیت از طریق تمرین منظم اصول اخلاقی، افزایش خودانتقادگری، ایجاد این احساس در مردم، که اعمال خوب و بدشان مورد مشاهده و ثبت قرار می‌گیرد(Geyer, Baumeister 2005:412).

در این پژوهش رابطه‌ی دو متغیر دلبستگی به مذهب و باور به قانون و رابطه آن با بزهکاری مورد سنجش قرارگرفته است. همچنین بررسی این سئوالات را در دستنور کار خود قرار داده است: میزان و نوع بزهکاری دانش‌آموزان چقدر و چگونه است؟ میزان بزهکاری با توجه به متغیرهای جمعیت شناختی جنسیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی چگونه است؟ دو فرضیه نیز در این تحقیق طراحی شده است: الف) دلبستگی به مذهب با میزان بزهکاری رابطه دارد. ب) باورمندی نسبت به قانون با میزان بزهکاری ارتباط دارد.

نظریه پیوند فرد و جامعه هیرشی: تراویس‌هیرشی معروف‌ترین نسخه‌ی نظریه‌ی کنترل را در دهه‌ی ۱۹۷۰ ارائه کرد. به‌نظر می‌رسد نظریه‌ی پیوند هیرشی، از میان دیگر نظریه‌های کنترل سیستماتیک‌ترین نظریه است و نتایج چندین تحقیق مختلف را یک جا سازمان‌دهی کرده است (Agnew, Petersen 1989). هیرشی فرض می‌کند که بشر ذاتا ضداجتماعی و به‌طور طبیعی آماده‌ی انجام عمل انحرافی است. سؤال هیرشی این نیست که چرا بعضی افراد منحرف می‌شوند بلکه سؤال او این است که چرا افراد خطا نمی‌کنند؟ او به‌طور خاص می‌خواهد بداند که چرا اغلب افراد جوان با وجود بسیاری فرصت‌ها و فشارها از قوانین و هنجارها تجاوز نمی‌کنند(Marcos, Bahr 1998). اومعتقد است همه‌ی افراد برای انحراف انگیزه دارند، با این‌حال وقتی با جامعه پیوند محکمی برقرار کنند، احتمال بزهکار شدنشان خیلی کم می‌شود(Hawdon 1996). او در کتاب قیود اجتماعی خود می‌گوید فرد بزهکار کسی است که از قیود اجتماعی آزاد است. به بیان دیگر او ضعف یا نبود پیوندهای میان فرد و جامعه را علت اصلی کج‌رفتاری می‌شمرد (Sedigh Sarvestani R 2009).

هیرشی چهار عنصری که سبب پیوند فرد شده و مانع انحراف و بزهکاری می‌شود را بدین گونه بر شمرده است، **دلبستگی:** دلبستگی مرکزی‌ترین مفهوم در این نظریه است و تأثیرگذاری بیشتری بر سه متغیر دیگر

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

دارد(Marcos and Bahr, 1988). دلبستگی به معنی داشتن «تعلق‌خاطر» نسبت به افراد و نهادها در جامعه است. ضعف چنین تمایلات و پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب کج‌رفتاری آزاد بداند (Sedigh Sarvestani R 2009). دلبستگی را می‌توان در میزان ارتباط و علاقه به والدین، مدرسه و دوستان و مذهب مشاهده کرد. فرد بدون حس دلبستگی به یک بیمار روانی تبدیل می‌شود که توانایی برقراری ارتباط یکپارچه را با جهان از دست می‌دهد(Adlers, 2004). هیرشی در نظریه خود، عنصر دلبستگی را نسبت به والدین، معلمان و همالان برشمرده است. امّا پاره‌ای محققان مثل مارکوس و بحر که سال‌ها بر روی این نظریه کار کرده‌اند، معتقدند یک نهاد اجتماعی مهم که هیرشی در نظر نگرفته مذهب است. مطالعات ایشان نشان می‌دهد پیوند شخص با مذهب یک کنترل‌کننده‌ی قوی در برابر انحراف می‌باشد(Marcos and Bahr, 1988). (هیرشی عامل اعتقاد را مطرح می‌کند که مذهب می‌تواند در آن بخش مطرح شود).

تعهد: تعهد مربوط می‌شود به سرمایه‌گذاری افراد در خطوط قراردادی کنش. به این معنا که مردمی که بعضی از چیزهای ارزشمند مثل انرژی عاطفی، زمان یا پول را هزینه می‌کنند تا به اهداف پذیرفته‌شده‌ای دست یابند، احتمالاً با شرکت در رفتار انحرافی، این ریسک را نمی‌کنند که آن امتیازات را از دست بدهند(Massey and Krohn,1986). از این رو هر چقدر فرد اهداف و برنامه‌هایی برای زندگیش داشته باشد و برای این اهداف برنامه‌ریزی و هزینه کند، بیشتر به قوانین گردن نهاده، کمتر دست به انحراف و بزه می‌زند(Adlers, 2004).

مشغولیت: مشغولیت مربوط می‌شود به درجه‌ای که افراد به فعالیت‌های عرفی مشغولند. افزایش مشغولیت سبب می‌شود فرد زمان کمتری برای ارتکاب رفتار بزهکارانه داشته باشد(Hawdon,1999). این عقیده را ساترلند نیز پذیرفته است.

باور: باور، میزان اعتباری است که فرد برای معیارهای جامعه و گروه قائل است و باعث می‌شود درحالی که می‌تواند از آن‌ها تخلف کند، به آن‌ها پای‌بند بماند. مانند باور به نیکوکاری، باور به حسن شهرت، باور به قانون، باور به زشتی محرمات و بیزاری از مردم‌آزاری. کلی باور را عقیده‌داشتن به اخلاق عرف و تحسین شیوه‌های قانونی تعریف کرده است (Kelley, Sokol Katz, Braddock et al 2004). این مفهوم لزوماً مربوط به اطاعت از قوانین اجتماعی است که می‌توان نامش را ارزش‌های عرفی گذاشت. بنابراین آن را نباید با عقاید و باورهای مذهبی خلط کرد (Marcos & Bahr, 1988).

نظریه پیوند اجتماعی هیرشی از معتبرترین نظریه‌های کنترل است و برای تبیین بزهکاری یک نظریه‌ی قوی محسوب می‌شود. چرا که از سوی محققان متعدد مورد بررسی تجربی قرار گرفته و تایید شده است و دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشد، تقریبا مورد ارجاع تمام تحقیقات بزهکاری است، همچنین نظریه‌ای است که برروی نوجوانان متمرکز شده است. در حالی که سایر نظریات، کمتر به طور خاص، به نوجوانان پرداخته‌اند(Hoseininesar M 2004).

روش

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است. این پژوهش همچنین از نوع مقطعی است و با تکنیک پرسشنامه‌ی خود اجرا انجام شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد(دانش‌آموز) می‌باشد و سطح تحلیل خرد است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، با استفاده از نرم افزار SPSS از آزمون‌های T، F و ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون اسپیرمن استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری این تحقیق دانش‌آموزان دختر و پسر شهر ساری است که در دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی و در پایه‌ی سوم دبیرستان مشغول به تحصیل می‌باشند. جمعیت نمونه چهار صد نفر می‌باشد که از مجموع چهار هزار و پانصد و یازده دانش‌آموز و با استفاده از فرمول کوکران، به دست آمده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای غیرمتناسب می‌باشد.

با توجه به اینکه پرسشنامه محقق ساخته است، برای سنجش بزهکاری، ۵ چهاربعد (وندالیسم، خشونت و پرخاشگری، دزدی و تقلب، کجروی‌های اخلاقی -فرهنگی) در نظر گرفته شد. سپس برای هر بعد شاخص‌هایی تعیین گردید و در نهایت با طرح سوالات مورد سنجش قرار گرفت.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

دلبستگی به مذهب به معنی داشتن «تعلق خاطر» و «پیوند» با نهاد مذهب در جامعه است. که آن را در قالب چهار مولفه‌ی اعتقادی، مناسکی، پیامدی و تجربی مورد سنجش قرار داده شد.

باور عبارت اســت از وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه. اگر مردم قویاً باور داشــته باشند که برخی اعمال انحرافی غلط است، مشارکت کردن در آن‌ها برایشان دور از تصور می‌شود (رابرتسون،۱۳۷۴:۱۷۵). باور در این تحقیق با سه شاخص پذیرش قانون، اعتماد به قانون گزار و عمل به قوانین تعریف و سنجیده شده است.

دراین پژوهش،سنجش اعتبار مقیاس‌های مورداستفاده باروش اعتبارصوری انجام شد. به این منظور از نظریات متخصصان و کارشناسان جامعه‌شناسی در مورد منطبق بودن محتوای سوالات با ویژگی‌های مورد نظر، اســتفاده شد. برای تعیین روایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ اســتفاده شده است که نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها می‌باشد. ضریب الفای کرونباخ برای متغیرهای بزهکاری، دلبستگی به مذهب و باور به قانون به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۳ و ۰/۶۳ بوده است.

ملاحظــات اخلاقی: کســب موافقت و رضایت از دانش آموزان و محرمانه نگهداشتن مشخصات و نام آنان.

یافته‌ها

در این پژوهش ۴۱/۱ درصد نمونه‌ی مورد بررســی پســر و ۵۸/۹ درصد، دختر بوده‌اند. اکثریت دانش‌آموزان یعنی ۸۱/۳ درصد ســاکنین مناطق شــهری بوده‌اند. درحالی که کمتر از یک پنجم دانش‌آموزان (۱۸/۸ درصد) یعنی ۷۲ نفر در مناطق روستایی سکونت داشته‌اند. بیشترپاسخگویان (۵۳/۱ درصد) در طبقه‌ی متوسط جای گرفته‌اند و تعداد کسانی که در پایگاه بالا و بسیار بالا قرار داشته‌اند، ۵/۵ درصد و ۴۱/۴ درصد پاسخگویان نیز در پایگاه پایینی جای دارند.

بر اســاس نتایج، توزیع پاســخگویان بر حسب ابعاد دلبســتگی به مذهب بیشترین تعداد پاســخگویان (۵۱/۸ درصد) دلبســتگی زیادی به مذهب داشته‌اند. ۴۳/۲ درصد نیز دلبســتگی مذهبی متوسطی را نشان می‌دادند. توزیع پاسخگویان بر حســب جنســیت نشان داد دختران باورهای قوی‌تری نسبت به پسران داشته‌اند. به این صورت که ۴۴/۳ درصد پسران از باورهای زیاد و بســیارزیاد برخوردار بوده‌اند در حالی که ۵۵/۸ درصد دختران، باورمندی‌شــان نســبت به قوانین در این ســطح بوده است. از ســوی دیگر ۱۷ درصد پاسخگویان پسر باورهای ضعیف و بســیار ضعیفی داشته‌اند، درحالی که این میزان در بین دختران، ۸ درصد بوده اســت. برای ســنجش چهارشــاخص بزهکاری یعنی وندالیسم، خشونت و پرخاشــگری، تقلب و دزدی و کجروی فرهنگی-اخلاقی مد نظر قرار گرفته اســت. با توجه به این که تعداد ســؤالات برای ســنجش این شــاخص‌ها با هم برابر نبودند، ابتدا شــاخص‌ها هم‌ارز، ســپس باهم ترکیب (Compute) و به صورت ترتیبی در تنظیم گردید.

توزیع پاســخگویان بر حســب میزان بزهکاری نشــان می‌دهد، ۹۵/۳ درصد پاســخگویان به میزان متوسط و کمتر از آن، بزهکارند. بیشــترین درصد پاسخگویان(۵۳/۴) یعنی ۲۰۵ نفر، میزان بزهکاری خود را بسیار کم گزارش کرده‌اند. همچنین ۳۲/۶ درصد به میزان کم و ۹/۴ درصد به میزان متوسط بزهکار بوده اند. داده‌ها نشان می‌دهد فقط ۴/۷ درصد دانش‌آموزان به میزان زیاد و بسیار زیاد بزهکار بوده‌اند.

نتایج آزمون T نشــان داد، دلبســتگی به مذهب در میان دختران به‌طور معناداری از پســران بیشتر بوده است (۰/۰۰۲). همچنین میانگین باور به قانون در بین دختران و پسران به طور معناداری تفاوت داشته (۰/۰۰) میانگین نمره باور به قانون دختران بیشتر از پسران گزارش شده است. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین وندالیسم و دزدی و تقلب بین پســران و دختران از لحاظ معنادار نبوده اســت. این در حالی است که میانگین خشــونت و پرخاشگری و کجروی اخلاقی- فرهنگی تفاوت معناداری نشــان داده اســت. جدول ۳ نشــان دهنده‌ی تفاوت میانگین دلبســتگی به مذهب و بزهکاری دانش‌آموزان بر حسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین دلبســتگی مذهبی دانش‌آموزان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی متفاوت، تفاوت معناداری نشان داده است. آزمون تعقیبی Tukey نشــان داد ایــن تفاوت مربوط به دانش‌آمــوزان با پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا و پایین بوده اســت(p=۰/۰۰). میانگین بزهکاری دانش‌آموزان برحسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تفاوت معناداری نشان نداده است.

برای ســنجش فرضیات اصلی تحقیق که به‌صورت کمی هســتند، ابتدامیبایســت نرمال بودن متغیرها بررســی شــود.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

بـرای این منظور از آزمـون کولموگروف اسمیرنف استفاده شد. خطای کمتر از ۰/۰۵ نشـان داد توزیع این متغیرها نرمال نیسـت بنابرایـن فـرض صفر(فرض نرمـال بودن توزیع) در مورد این متغیرها رد می‌شود. لذا برای سنجش همبستگی متغیرهای مستقل با وابسته از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون اسپیرمن در جدول ۴ آمده است.

جدول شـماره۴ نتایج آزمون همبسـتگی اسپیرمن بین دلبستگی به مذهب و بزهکاری را نشـان می‌دهد. ضریب همبستگی این دو متغیر معکوس و معنادار اسـت به‌طوریکه با افزایش دلبستگی به مذهب، تا حدی میزان بزهـکاری کاهـش می‌یابـد . همچنین بین باور به قانـون و بزهکاری رابطه معکوس و معناداری مشاهده شده است. بنابراین هر دو فرضیه‌ی اصلی این تحقیق توانسته از آزمون رد عبور نماید.

جدول(۱) توزیع در صدی شاخص‌های بزهکاری پاسخگویان بر حسب جنسیت

گویه‌های بزهکاری	پسر	دختر
نوشتن یا نقاشی کردن روی دیوارها، صندلی‌ها، اتوبوس‌ها و...	۵۸/۲	۷۶/۱
آسیب رساندن از روی عمد به در، پنجره، لامپ، لاستیک و...	۳۸/۶	۲۸/۸
در خیابان زد و خورد داشتن با دیگران.	۵۸/۲	۱۸/۱
درگیری فیزیکی با همکلاسی‌ها یا هم مدرسه‌ای‌ها.	۷۴/۷	۴۶/۹
پول برداشتن بدون اجازه از پدر و مادر.	۳۱	۳۲/۳
سوار اتوبوس یا تاکسی شدن و از روی عمد کرایه‌ی آن را نپرداختن.	۲۶/۶	۱۴/۶
تقلب کردن یا تقلب رساندن در امتحانات در یک سال گذشته.	۸۳/۵	۸۸/۱
ترک گفتن مدرسه بدون اطلاع.	۵۰	۱۶/۴
بدون اجازه‌ی والدین، یک شب یا بیشتر دور از خانه ماندن.	۲۲/۸	۴/۴
دروغ گفتن به والدین در یک سال گذشته.	۷۷/۸	۷۹/۲
سیگار کشیدن در یک سال گذشته.	۱۷/۷	۰/۲
به خاطر پوشش یا آرایش نامناسب از مسئولین مدرسه اخطار گرفتن.	۴۲/۴	۳۸/۹
در مدرسه فیلم یا نوار غیر مجاز رد و بدل کردن.	۳۱/۶	۳۶/۳

جدول(۲) آزمون تفاوت میانگین شاخص‌های بزهکاری بر حسب جنسیت

جنس	وندالیسم میانگین		خشونت میانگین		دزدی و تقلب میانگین		کجروی اخلاقی فرهنگی میانگین		بزهکاری کل میانگین	
پسر	۳/۷۵	T=۱/۶۱	۴/۱۶	T=۶/۲۱	۶/۱۷	T=۰/۱۷	۱۰/۹۴	T=۳/۴۰	۹۶/۰۷	T=۲/۲۶۶
دختر	۴/۰۹	P=۰/۱۰	۳/۰۱	P=۰/۰	۶/۲۲	P=۰/۸۵	۹/۴۶	P=۰/۰۱	۸۰/۰۸	P=۰/۰۰۲۴

جدول(۳) آزمون تفاوت میانگین دلبستگی به مذهب و بزهکاری بر حسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی

متغیر	مقوله‌ها	میانگین دلبستگی به مذهب	f	Sig	میانگین بزهکاری	f	Sig
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	پایین	۲۳/۷۸	۸/۳۴	۰/۰۰۰	۷۹/۱۴	۱/۹۷	۰/۱۴
	متوسط	۲۳/۱۲			۹۱/۰۵		
	بالا	۲۰/۱۹			۱۰۰/۹۹		

جدول(٤) نتایج آزمون اسپیرمن، همبستگی متغیرها

متغیر	اسپیرمن	Sig
دلبستگی به مذهب	-۰/۲۲۸	۰/۰۰
باور به قانون	-۰/۳۹۳	۰/۰۰

بحث و نتیجه گیری

کودکان و نوجوانان سـرمایه‌های معنوی جامعه می‌باشند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین کننده‌ی سلامت جامعه در آینده اسـت. در پژوهش حاضر به بررسـی رابطه دلبسـتگی به مذهب و باور به قانون با بزهکاری نوجوانان پرداخته شـده اسـت. نتایج پژوهش نشان داد میان دو متغیر دلبسـتگی به مذهب و باور به قانون با بزهکاری ارتباط منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت هرچه دلبسـتگی و پایبندی به مذهب و باور به قانون در میان نوجوانان بیشتر باشـد، از میزان بزهکاری آنان و انجام کجروی‌های اخلاقی کاسـته می‌شـود. این یافته با مفاهیم نظریه پیوند اجتماعی هیرشی (بخصوص در ابعاد دلبستگی و باور) همخوانی دارد. از نظر هیرشی بین پیوند اجتماعی با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشـروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متاثر از پیوند او با مدرسـه، خانواده و جامعه است. با سست شـدن این پیوند، از شـدت اعتقادات کاسته می‌شـود. دینداری و پیوند اجتماعی به تنهایی و به طور توأم در بزهکاری جوانان اثر دارند (Nazoktabar, Zahedi, Nayebi 2006). در واقع دین به عنوان یک کنترل کننده اجتماعی جلوی بسیاری از رفتارهـای بزهکارانه دانش‌آموزان را می‌گیرد (Ahmadi, Khajenouri, Mousavi 2009). نتایـج این تحقیق با نتایج تحقیقات پیشـین حیدری چروده، ۱۳۸۰، بزرگ‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، رجایی و همکاران، ۱۳۸۷، بلبل رمی و همکاران، ۱۳۸۳، برایان و رایت ۲۰۰۱ هماهنگ و همسـو اسـت. در همین راستا پژوهش نازک تبار و همکاران (۱۳۸۵) نشان داد تفاوت

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

معنی‌داری بین ابعاد دینداری و میزان بزهکاری (سرقت) در بین دو گروه جوانان غیربزهکار و بزهکار جود دارد. همچنین بعد پیامدی دینداری تاثیرمستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است.

یکی دیگر از فرضیات تحقیق که از آزمون رد عبور نمود، مبین رابطه معکوس بین باور و بزهکاری می‌باشد. این رابطه نشان می‌دهد که اگر نوجوان به نظام هنجارهای اجتماعی اعتماد داشته باشد و ضرورت وجودی قوانین را بپذیرد احتمال اینکه آن‌ها را نقض کند، کم می‌شود. تحقیقات تجربی پیشین نیز موید این مطلب‌اند. به عنوان مثال هاودان (۱۹۹۶) در پژوهش خود بین باور و مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معکوس و معناداری مشاهده کرده است. نتایج تحقیق برن برگ و ترلیندسون (۱۹۹۹) و همچنین لانگ شر و همکارانش (۲۰۰۴)، وجود رابطه‌ی فوق را تایید کرده است.

از دیگر نتایج تحقیق، وجود رابطه‌ی مستقیم و معنادار بین دلبستگی و باور می‌باشد این رابطه را محققانی چون ماسی و کراون (۱۹۸۶) و مارکوس و بحر (۱۹۸۸) نیز در پژوهش‌های خود تایید کرده‌اند. دلبستگی عموما دلالت دارد بر رابطه‌ی عاطفی‌ای که نوجوان نسبت به دیگران مهم از قبیل والدین، اولیای مدرسه و دوستان در خود احساس می‌کند. طبیعی است که هرچه این رابطه قوی‌تر باشد، نوجوان هنجارهای عرفی را که عموما از سوی این گروه‌ها پذیرفته شده و تبلیغ می‌شود، بیشتر می‌پذیرد و باور می‌کند. از یکسو باور با بحث جامعه‌پذیری پیوند تنگاتنگی دارد و از سوی دیگر جامعه‌پذیری یعنی یادگیری و آموزش ارزش‌ها و هنجارها، که توسط گروه‌های مرجع خانواده، مدرسه و دوستان صورت می‌گیرد. بنابراین دلبستگی به این گروه‌ها قبول ارزش‌ها و هنجارهای آنان را نیز تسهیل می‌کند. به همین صورت دلبستگی به نهاد مذهب به عنوان یک مرجع هنجارگذار نوجوان را به پذیرش باورهای جامعه رهنمون می‌کند. البته چنین فرض می‌شود که قوانین و هنجارهای عرفی(مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق دیگران و...) با آموزه‌های مذهبی هم‌جهت و هم‌راستا هستند.

تفاوت معنادار از لحاظ شاخص‌های بزهکاری در بین پسران و دختران از دیگر نتایج کاربردی این پژوهش به لحاظ شناخت جنسیتی بزهکاری و شدت آن می‌باشد. چنانکه مشاهده شد در بین پسران و دختران از لحاظ میانگین وندالیسم و دزدی و تقلب تفاوت معناداری نبوده است، لکن میانگین خشونت و پرخاشگری و کجروی اخلاقی- فرهنگی دختران و پسران تفاوت معناداری را نشان داده است، بدین معنا که پسران به شکل معناداری نسبت به دختران بیشتر مرتکب کجروی‌های اخلاقی و خشونت می‌شوند. یافته‌های برخی تحقیقات حاکی از این است که خودمهارگری زنان به طور قابل ملاحظه‌ای بالاتر از مردان است (Chapple:2005:13). بالا بودن خودمهارگری زنان نسبت به مردان، می‌تواند دلیل بالاتر بودن بعضی کجروی‌ها در پسران باشد. که این خود پیامد اجتماعی شدن جنسیتی است. به این صورت که والدین بر عملکرد دختران نظارت بیشتری دارند و نه تنها فرصت و شرایط ریسک‌پذیری را برای آن‌ها فراهم نمی‌کنند بلکه تا حد امکان آنان را از چنین تجاربی بر حذر می‌دارند (Hosse-inkhanzadeh, Hematialamdarloo, Agha-babaei et al 2011).

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود برای کاهش رفتارهای بزهکارانه نوجوانان، دلبستگی به مذهب در آن‌ها تقویت شود. همچنین مفید و عادلانه دانستن قوانین و اعتماد به قانون گذاران و مجریان قانون می‌تواند، باور به قانون را تقویت نموده و در نتیجه از ارتکاب نوجوان به بزه بکاهد. اگر نوجوان به نظام هنجارهای اجتماعی اعتماد داشته باشد و ضرورت وجودی قوانین را بپذیرد احتمال اینکه آن‌ها را نقض کند، کم می‌شود. به‌طورکلی شاید بتوان گفت بیش از آن که مکانیسم‌های مستقیم کنترل و اجبار در کاهش بزه موثر واقع شود، تعلقات عاطفی و باورمندی می‌تواند میل به رفتارهای نابهنجار را در آنها مهار نماید. در واقع نوجوان به دلیل توجه و علاقه‌ای که به دیگران مهم (خدا) دارد، این احساس در او به وجود می‌آید که به خواسته‌ها و تمایلات وی پاسخ داده، نظر مثبت او را به خود جلب کند، از این رو کمتر احتمال دارد به نقض هنجارهای اخلاقی بپردازد.

یکی از نقاط قوت پژوهش حاضر، طراحی پرسشنامه مبتنی بر واقعیات فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد مطالعه است. بنظر محققان با توجه به اینکه بزهکاری و اعتقادات مذهبی تا حد زیادی مبتنی بر فرهنگ بوده و با سایر جوامع متفاوت است، دست به طراحی گویه‌ها و هنجاریابی آن

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]

زدند. محدود بودن جامعه‌آماری (که شامل پایه‌ی سوم دبیرستان‌های شهر ساری بود) نیز از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. پیشنهاد می‌شود در آینده محققان مقایسه بین مقاطع تحصیلی، شهرها و استان‌های مختلف صورت دهند.

پیشنهاد پژوهشی دیگر، مطالعه مکانیسم‌های اثرگذاری اعتقادات مذهبی و باور به قانون بر بزهکاری مطالعه شود. همچنین نوع شناسی دقیق‌تری از انواع بزه ارائه شود. سپس ارتباط آن با ابعاد عقیده به مذهب و باور به قانون مورد سنجش قرار گیرد.

منابع

References:

Adler, P. A; & Adler, P. (2004). Constructions of Deviance, Custom Edition.

Agnew, R; & Petersen, D. M. (1989). Leisure and Delinquency, Social Problems, Vol.36, No.4, PP. 332-349.

Ahmadi, A. (2010). Adolescent and Youth Psychology, Tehran: Foroozesh. [Persian].

Ahmadi, H; Khajenouri, B; & Mousavi, N. (2009). Factors associated with delinquency among high school students, Social Welfare Quarterly, 33 (9): 105-122. [Persian].

Azadarmaki T & Bahar M (1998). Study of social problems, Tehran: Jihad. [Persian].

Bozorgnezhad H, Hasanzadehesfahani Z (2009). The effect of religious beliefs on aggression in students of martyrs, Veterans and normal Shahed girl high school in Tehran, Social Research, 3(6): 169-183 [Persian].

Bolbol Rami, Z; & Ebrahim Zadeh Parsaei, Z. (2004). Social Determinants of Juvenile Delinquency. Thesis, Mazandaran University.[Persian].

Chapple, Constance L., Trina L. Hope, and Scott W. Whiteford (2005) "The Direct and Indirect Effects of Parental bonds, Parental Drug Use, and Self-Control on Adolescent Substance Use." Journal of Child and Adolescent Substance Use, 14:17-38.

Geyer, A., & Baumeister, R.F (2005) Religion, mortality, and self-concept. Pp412-432 in Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality, edited by R.F.Palutzian and C.L.Park. New York: Guilford Press.

Hawdon, J. E. (1999). Daily Routines and Crime using Routine Activities, Youth & Society, 30 (4): 395-415.

Heydari Charvadeh, M. (2001). The Survey of the causes of social anomalies among Middle School Students in Khorasan cities, Office of Education, Khorasan Razavi. [Persian].

Hoseininesar M (2004). Study of social determinants of juvenile delinquency in Rasht, Thesis M, Tehran University.

Hosseinkhanzadeh, A. A., Hemati Alamdarloo, G; Aghababaei, H; Moradi, A; & Rezayi Dehnavi, S. (2011). Prediction of Self Control Capacity based on Various Religious Orientations and Its Role in Crime Prevention, Criminal Justice Studies, 2(4):19-36. (Persian)

Kelley, M; & Sokol Katz, J; Braddock, J. H; & Bassinger-Fleischman, L. (2004). Control Theory, Sport and Patterns in Delinquency for Youth. NY: Edwin Mellen Press.

Marcos, A. C & Bahr, S. J. (1988). Control Theory and Adolescent drug use, Yoyth & Society, 19 (4): 395-425.

Massey, J. L; & krohn, M. (1986). A Longitudinal Examination of an Intergrated Social Process Model of Deviant Behavior, Social forces, 65 (1): 106-134.

Nazoktabar, H; Zahedi, M. J; Nayebi, H. (2006). The role of religion in the prevention of juvenile delinquency in Tehran, Social Welfare Quarterly, 22 (6): 233-257. [Persian].

Rabertson Y (2011). Introduction to society, Translated by Hossein Behravan, Tehran, Behnashr.

Sedigh Sarvestani R (2009). Social pathology (sociology of social deviations), Tehran, Samt.

Shamsesfandabad Hasan, Nejadnaderi S (2009). A comparative study of the quality of life and religious attitude among addicted/non-addicted individuals in Kerman City, Quarterly Journal of Psychological Studies, 1(17): 139-152. [Persian].

Rajai A, Bayaz MH, Habibipoor M (2010) Basic religious beliefs, identity crisis and general health in youth adults, Development Psychology, 6 (22): 97-107 [Persian].

Rasoolzadehtabatabaei S, Abdi N (2011). Reviewing the relationship between personality characters and level of social discipline with respect to religious fidelity, Societal Security Studies, 23: 165 to 189. [Persian].

Robertson, Ian. (1995). Society: A Brief Introduction. Hossein Behravan, Translator, Mashhad, Astan Qods Razavi. [Persian].

Taleban, M. R. (2001). Religiosity and delinquency among young students, Tehran: Research Institute of culture, arts and communications. [Persian].

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-02]